

# بررسی مقایسه‌ای قوانین و مقررات ایران با کنوانسیون حقوق کودک<sup>۱</sup>

عاطفه عباسی<sup>۲</sup>

## چکیده

تلاش‌های جهانی در راستای حمایت از کودک به عنوان آسیب‌پذیرترین عضو خانواده، منجر به تصویب کنوانسیون حقوق کودک گردید که ایران در سال ۱۳۷۲ طی ماده واحده‌ای به شرط عدم مغایرت مفاد آن سند با موازین شرعی و حقوق داخلی به آن پیوست. در خصوص نحوه الحاق ایران به این سند جهانی، انتقادهایی مطرح شده است که تعیین حق شرط کلی را مغایر اهداف کنوانسیون و مانعی در جهت تحقق مندرجات آن می‌داند. از این رو مقاله حاضر به دنبال پاسخ این دو سؤال است که آیا نظام حقوقی ایران در حوزه حقوق کودک، با کنوانسیون مزبور مطابقت دارد؟ و در صورت منفی بودن پاسخ، آیا می‌توان راهکاری جهت انطباق آن با کنوانسیون حقوق کودک یافت؟ علی‌رغم تصویب قوانین متعدد در حوزه‌های مختلف این کنوانسیون در نظام داخلی ایران، هنوز برخی کاستی‌ها در نظام مذکور و عدم تصویب تغییرات پیش‌بینی شده در لوایح قضایی دیده می‌شود. این مقاله ضمن برشمردن نقاط ضعف و قوت، راهکارهای اصلاحی لازم را جهت حل تعارض احکام کنوانسیون با نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌نماید.

## واژگان کلیدی

کنوانسیون، کودک، حقوق کیفری، حقوق اساسی، حقوق مدنی، قوانین داخلی، موازین اسلامی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۹/۳۰؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۰

۲- دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق<sup>۷</sup> پردیس خاوران

## مقدمه

به منظور بررسی تحقق تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، کمیته‌ای در قالب ماده ۴۳ کنوانسیون تشکیل گردیده که با همکاری صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر نهادهای تخصصی آن سازمان، اقدام به ارائه گزارش‌های مندرج در ماده ۴۵ سند فوق‌الذکر می‌نماید. گزارش‌های مزبور مبین میزان هماهنگی قوانین کشورهای عضو با مفاد این معاهده می‌باشند.<sup>۱</sup>

با توجه به اعتراض برخی دولت‌ها مثل آلمان، ایرلند، سوئد، فنلاند و نروژ در خصوص نحوه الحاق ایران به کنوانسیون مزبور (مهرپور، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸) که در سال ۱۳۷۲ طی ماده واحده قانون «اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» به شرط عدم مغایرت مفاد این سند با قوانین داخلی و موازین اسلامی به آن پیوسته و در نتیجه اجرای آن در مواجهه با قوانین داخلی کشور به مشکلاتی برخورد کرده است، ضروری است مفاد کنوانسیون و نیز میزان سازگاری نظام حقوقی ایران با این سند مورد بررسی قرار گیرد و درباره موارد تعارض نیز راه‌حل‌های لازم ارائه گردد.<sup>۲</sup>

مقاله حاضر در دو مبحث نگارش یافته است. مبحث اول به حقوق کیفری کودک می‌پردازد و مبحث دوم به حقوق مدنی و اساسی وی، نگارنده در ابتدای هر مبحث توضیحاتی در خصوص هر یک از حقوق ارائه می‌دهد و پس از آن جایگاه آن‌ها را در کنوانسیون و نیز نظام قانون‌گذاری ایران ارزیابی می‌کند و حسب مورد نقاط ضعف و قوت قوانین موجود و نیز برخی لوایح قضایی را بررسی می‌نماید و در پایان برآیندی از این گزارش به همراه راهکارهای مناسب جهت بهبود وضعیت موجود ارائه می‌نماید.

علی‌رغم وجود مطالعات تطبیقی در خصوص مفاد کنوانسیون حقوق کودک، جای خالی بررسی نقاط ضعف و قوت مجموعه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران با سند مورد بحث همچنان باقی است.

---

۱- [www.ohchr.org/english/bodies/crc/docs/co/CRC.C.۱۵.Add.۲۵۴. pdf](http://www.ohchr.org/english/bodies/crc/docs/co/CRC.C.۱۵.Add.۲۵۴.pdf)

۲- بنگرید به: خزامی، عبدالحکم احمد، المرجع الشامل فی حقوق الطفل، قاهره، بی‌نا، ۲۰۰۴م

این مقاله که در دو مبحث نگارش یافته است، گزارشی برآمده از کار تحقیقاتی مفصلی است که طی آن نگارنده به بررسی مجموعه قوانین و مقررات ایران و مندرجات قانون الحاق دولت ایران به این سند پرداخته است. این پژوهش، به دنبال ارزیابی میزان پایبندی ایران به تعهدات بین‌المللی کشورمان در حوزه حقوق کودک، با عنایت به منبع اصلی حقوق ایران یعنی فقه امامیه می‌باشد. بدین منظور، مبحث اول مقاله به حقوق کیفری کودک می‌پردازد و مبحث دوم به حقوق مدنی و اساسی وی. نگارنده در ابتدای هر مبحث توضیحاتی در خصوص هر یک از حقوق اراده می‌دهد و سپس، جایگاه آن‌ها را در کنوانسیون و نیز نظام قانون‌گذاری ایران ارزیابی می‌کند و حسب مورد نقاط ضعف و قوت قوانین موجود و نیز برخی لوایح قضایی را بررسی می‌نماید و در پایان برآیندی از این گزارش به همراه راهکارهای مناسب جهت بهبود وضعیت موجود بدست می‌دهد.

### **مبحث اول - کودکان در مواجهه نظام عدالت کیفری**

در این مبحث ضروری است در بدو امر بحث سن بلوغ کودک به عنوان یکی از ارکان اساسی مسؤولیت کیفری مورد ارزیابی قرار گیرد و سپس به مقایسه مفاد کنوانسیون با قوانین و مقررات داخلی ایران در جهت حمایت کیفری از کودکان، جرایم ارتكابی علیه ایشان و نیز جرایم ارتكابی آن‌ها و نحوه دادرسی و ضوابط ناظر بر آن پرداخته شود.

#### **۱- کودک و آغاز مسؤولیت کیفری**

جرم‌شناسان زندگی را به چهار مرحله کودکی، جوانی، پختگی و پیری تقسیم می‌نمایند. به نظر ایشان کودکی با تولد آغاز می‌شود و تا بلوغ ادامه می‌یابد. معیار خاتمه دوره کودکی، رسیدن به مرحله‌ای از رشد جسمی و عقلی است که شخص قادر به تشخیص مصالح خود در حد متعارف باشد. مقصود از سن مسؤولیت کیفری نیز پایین‌ترین سنی است که از نظر قانون‌گذار، افراد پایین‌تر از آن سن بنا به فرض، قدرت زیر پا گذاشتن قوانین کیفری را ندارند. مطابق ماده ۱ کنوانسیون، منظور از کودک، افراد

انسانی زیر ۱۸ سال هستند، مگر این‌که طبق قوانین داخلی کشورهای عضو، سن بلوغ کم‌تری پیش‌بینی شود. با توجه به قید اخیر نمی‌توان تعارضی میان مفاد کنوانسیون و قوانین داخلی ایران یافت. لکن استفاده از سن بلوغ شرعی در تعیین سن مسئولیت کیفری، محل اشکال است.

با توجه به ماده ۴۹ ق.م.ا.<sup>۱</sup> و نیز تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م.ا.<sup>۲</sup> که با استناد به منابع فقهی، سن بلوغ پسر را پانزده سال و بلوغ دختر را نه سال تمام قمری درج کرده است، جهت بررسی بلوغ در نظام حقوقی ایران باید به سراغ فقه رفت. در فقه اسلامی علاوه بر معیار کمی (سن)، از برخی نشانه‌های کیفی مانند احتلام نیز به عنوان معیارهای تحقق بلوغ و رشد عقلی و جسمی استفاده شده و کودک به ممیز و غیرممیز تقسیم گردیده است که مقصود از کودک ممیز کسی است که خوب و بد و نفع و ضرر را از هم بازشناسد. مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، کودکان تا هفت سالگی غیرممیز و پس از آن ممیز قلمداد می‌شوند (حلی، ۱۴۱۲ تا ۱۴۲۰ هـ.ج، ص ۳۰۶).

با الهام از آراء فوق که منبع اصلی قوانین فعلی به شمار می‌روند، زندگی انسان را می‌توان به دوره‌های ذیل تقسیم نمود:

- ۱- دوره جنینی: با توجه به این‌که جنین انسان نیز مشروط به زنده زاده شدن از حقوق مدنی مانند ارث برخوردار است، می‌توان آغاز کودکی را لحظه انعقاد نطفه دانست.<sup>۳</sup> لکن نقطه آغاز اهلیت استیفای حقوق و مسئولیت حقوقی و کیفری متفاوت است.
  - ۲- دوره اول کودکی: از بدو تولد تا ممیز شدن یعنی هفت سالگی ادامه می‌یابد.
  - ۳- دوره دوم کودکی: از زمان تمییز تا سن بلوغ را شامل می‌شود.
  - ۴- دوره نوجوانی: از زمان بلوغ آغاز می‌شود و در ۱۸ سالگی خاتمه می‌یابد.
- هر چند صغر سن در نظام حقوقی ایران غالباً ذیل عنوان عوامل رافع مسئولیت کیفری مورد بحث واقع گردیده است (گلدوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸۳؛ صانعی، ۱۳۷۴، ص ۱۴)، لکن رفع

---

۱- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

۲- قانون مدنی

۳- ماده ۸۷۵ قانون مدنی

مسئولیت کیفری کودک ممیز به علت برخورداری وی از درک و شعور نسبی از نظر فقها به طور کامل صورت نمی‌گیرد؛ لذا ماده ۴۹ ق.م.ا. که کودکان را در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری می‌داند، با قیودی بر آن، تخصیص زده و برای کودک ممیز، کیفر تعزیری نیز مقرر کرده است که این امر نشان از عدم اعتقاد نظام حقوقی ایران بر رفع تام مسئولیت کیفری درباره صغار دارد. همچنین نوجوانان علی‌رغم نداشتن فاصله سنی مشهود و نیز رشد عقلی و سنی بسیار متفاوت با کودکان، به جهت بلوغ دارای مسئولیت تام کیفری می‌باشند که این امر با واقعیات زیستی و اجتماعی موجود همخوانی ندارد. شکی نیست که مجرمان بالغ زیر ۱۸ سال را نباید بدون هر گونه مسئولیت در قبال جامعه رها نمود؛ لکن برابری کامل مسئولیت کیفری بالغان زیر ۱۸ سال و بزرگسالان قابل تأمل می‌باشد و می‌توان سطح پایین تری از مسئولیت کیفری را برای ایشان قائل شد یا از اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان واکنش اجتماعی در برابر اعمال ایشان استفاده کرد.<sup>۱</sup>

## ۲- جایگاه کودکان متهم در فرآیند دادرسی کیفری

در راستای تضمین حقوق دفاعی کودکان در مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون مواردی ذکر گردیده است مانند منع بازداشت غیرقانونی، حفظ شأن انسانی، حق اعتراض به تصمیم دادگاه، بهره مندی از دادگاه مستقل و بی طرف و نیز دادرسی فوری و بدور از اطلاع، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل برائت، بهره مندی از حضور وکیل و مترجم در طول دادرسی، تفهیم اتهام و عدم اجبار متهم به ادای شهادت علیه خود و .... این

---

۱- شایان ذکر است علی‌رغم ایرادهای وارد بر سن بلوغ و لزوم بازنگری آن، متأسفانه تغییری در این امر در لایحه مجازات اسلامی صورت نپذیرفته است.  
جهت مطالعه تطبیقی باید گفت اطفال زیر ده سال که در نظام حقوقی کامن‌لا مرتکب جرم می‌گردند، فاقد اهلیت ارتکاب جرم هستند و اطفال ده تا چهارده سال نیز در صورتی که علم به رفتار توأم با تقصیر فاحش خود داشته باشند، دارای مسئولیت نسبی می‌باشند (ریموند، ۱۳۶۹، ص ۷).

موارد در اصل ۳۴ ق.ا. برای تمامی افراد نیز به رسمیت شناخته شده و ضمانت اجرای تخلف از این اصل که منجر به سلب حقوق اساسی فرد شود، از طریق دادگستری شایسته و استقلال قضایی در ماده ۵۷۰ ق.م.ا. تضمین گردیده است.

احضار یا جلب متهم به وسیله احضارنامه یا برگه جلب (ماده ۲۴ ق. آ.د.د.ع.ا.ک)<sup>۱</sup>، منع تعقیب و توقیف خودسرانه، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (اصول ۳۸ و ۱۶۹ ق.ا.)، احترام به کرامت ذاتی افراد (اصل ۳۹ ق.ا.)، حق سکوت، حق تفهیم اتهام، حق همراهی توسط وکیل دادگستری (اصل ۳۵ ق.ا.) و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعاوی (۱۳۷۰)، اعطای فرصت کافی برای دفاع، بهره‌مندی از اصل برائت (اصل ۳۷ ق.ا.)، منع شکنجه (اصل ۱۳۸ ق.ا.)، منع مداخله خودسرانه در مسکن، زندگی خصوصی، مراسلات و... (ماده ۵۸۲ ق.م.ا.)، صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم، تفکیک مقام تحقیق از مقام دادرسی، دادرسی فوری و بدون تأخیر ناموجه (قسمت سوم اصل ۳۲ ق.ا.)، دادگاه قانونی (اصل ۱۵۶ و اصل ۱۶۶ ق.ا.)، برگزاری علنی جلسه دادرسی (اصل ۱۶۵ ق.ا.)، بهره‌مندی از قاعده منع تعقیب مجدد، حق جبران خسارت و اعاده حیثیت در صورت برائت متهم از اتهام (اصل ۱۷۱ ق.ا.) از جمله حقوق متهمان است.<sup>۲</sup>

در مورد کودکان، علاوه بر این موارد، مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ ق.آ.د.د.ع.ا.ک و تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز به ذکر برخی حقوق خاص کودکان در جریان دادرسی پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: رسیدگی به جرایم افراد زیر ۱۸ سال در شعب خاصی از دادگاه‌ها، الزام به حضور ولی کودک در زمان محاکمه، انجام تحقیقات توسط رئیس دادگاه، بهره‌مندی از نظر خبرگان

---

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸

۳- جهت اطلاعات بیشتر بنگرید به:

H. victor, A Handbook of international Human Rights Terminology Second Edition , united States , ۲۰۰۳, p ۲۶۰.

در خصوص مسائل اطفال، صدور یکی از قرارهای تأمینی مانند التزام ولی یا سرپرست قانونی کودک یا شخص دیگری به حاضر کردن کودک، سپردن وثیقه توسط ولی یا سرپرست کودک یا شخص دیگری و نگهداری کودک در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت و همچنین عدم برگزاری علنی محاکمه کودک. گفتنی است این احکام در خصوص افراد غیربالغ جاری است و افراد بالغ زیر ۱۸ سال وفق تبصره ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ع.ا.ک مطابق قوانین عمومی در دادگاه کودکان محاکمه می‌گردند.

با توجه به نکات فوق، می‌توان برخی از نقاط ضعف قوانین فعلی را چنین برشمرد: عدم احضار کودک در معرض خطر در مرحله دادرسی یا دادرسی، عدم حمایت از کودک بزه‌دیده یا شاهد در مقابل آسیب‌های وارد بر او، اختیاری بودن تشکیل پرونده شخصیت و نیز جلب مشورت مددکار و روان‌شناس و فقدان پلیس ویژه کودکان و نوجوانان.

اشخاصی که به مناسبت شغل خود در تماس با کودکان در معرض خطر یا بزه‌دیده می‌باشند، باید مکلف به رعایت برخی نکات باشند، مانند توجه به موقعیت شخصی، نیازهای سنی، جنسی و ناتوانی کودکان، میزان رشد، همچنین انجام وظیفه با کم‌ترین میزان مداخله در زندگی خصوصی کودکان با رعایت بالاترین استانداردهای لازم برای جمع‌آوری ادله، تحقیق از کودک در محیطی مناسب با نیازهای خاص کودک و...، تحقیق به زبان قابل فهم کودک و در نهایت حساسیت در برابر سن، فهم، جنسیت، پیش زمینه‌های قومی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و... کودک. متأسفانه قوانین فعلی فاقد احکام ناظر بر این امورند.

### ۳- واکنش اجتماعی نظام حقوقی ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان

حمایت کیفری از کودک در برابر اشکال مختلف خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوء استفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار را می‌توان در مواد مختلف کنوانسیون از جمله مواد ۶، ۱۹، ۳۳ و ۳۶ مشاهده نمود. حمایت‌های مذکور در دو قالب حمایت از کودکان از طریق اعمال برنامه‌های اجتماعی مناسب و نیز حمایت در برابر اشکال مختلف محدودیت و تعرض به کودک و پیگیری

قضای آن‌ها صورت می‌پذیرد.

ق.م.ا. ایران پیرو تأکید ماده ۶ کنوانسیون بر ضرورت حمایت از حیات کودک، اعمالی مانند قتل، ایراد ضرب و جرح و... علیه وی را حسب مورد مستوجب پرداخت دیه یا اجرای قصاص نموده است و نیز ربودن و مخفی کردن کودک تازه متولد شده، تعرض یا مزاحمت و توهین به حیثیت کودکان در اماکن عمومی یا معابر، رها کردن کودک بدون امکان مراقبت از وی، امتناع از بازگرداندن کودکی که توسط افراد دارای سمت قانونی مطالبه شده‌اند، ازدواج با دختر غیر بالغ بدون اذن ولی وی و وادار کردن کودکان به تکی‌گری را به ترتیب در مواد ۶۱۹، ۶۳۱-۶۳۳، ۶۴۶ و ۷۱۳ جرم‌انگاری نموده است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نیز در مواد متعدد به حمایت از کودکان پرداخته است. وفق این قانون، افراد دارای سن کمتر از ۱۸ سال مورد حمایت هستند و هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی به آنان شود و نیز هر گونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق و هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی و نیز نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان را قابل تعقیب دانسته است.

شایان ذکر است که برخی اشکال سوءاستفاده از کودکان موضوع ماده ۳۶ کنوانسیون به طور خاص در نظام حقوقی ایران جرم‌انگاری گردیده اند. برای مثال، قاچاق کودکان موضوع ماده ۳۵ کنوانسیون با استناد به قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن (۱۳۸۰) و قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳) تصویب گردیده که قاچاق انسان و خصوصاً کودکان را با اهداف هرزه‌نگاری، استثمار جنسی، کار و... قابل تعقیب جزایی دانسته است. ضوابط قانونی ناظر بر خروج کودکان از کشور را می‌توان در قانون گذرنامه (۱۳۵۱) و نیز برخی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام یافت.

همچنین سوءاستفاده جنسی از کودکان موضوع ماده ۳۴ کنوانسیون علاوه بر بند ۴ اصل چهل و سوم و جزء ج بند ۶ اصل دوم قانون اساسی و تصویب پروتکل اختیاری



کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان که مصوب ۱۳۸۶ در ایران است، در مواد ۸۲ - ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۱ - ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰ و ۱۴۱ ق.م.ا، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند (۱۳۷۲) و قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست (۱۳۵۳) جرم‌انگاری گردیده است.

اغوا یا استفاده از کودکان در جرایم مرتبط با مواد مخدر موضوع ماده ۳۳ کنوانسیون در قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان<sup>۱</sup> و نیز فروش دخانیات به افراد صغیر یا توسط آن‌ها وفق قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون چارچوب سازمان بهداشت جهانی در مورد کنترل دخانیات<sup>۲</sup>، جرم است.

با نگاهی به مجموعه قوانین فوق می‌توان به این نتیجه رسید که نظام حقوقی ایران بعضاً به جرم‌انگاری اعمال مجرمانه علیه کودکان پرداخته و حتی در برخی موارد، مجازات اعمال مذکور را نسبت به ارتکاب آن علیه بزرگسالان تشدید کرده است؛ اما بعضاً به جای حمایت از این قشر آسیب‌پذیر و تشدید مجازات مرتکبان این جرایم علیه کودکان، مجازات خفیف‌تری برای مرتکب پیش‌بینی نموده است. برای مثال می‌توان به عدم اثبات حدود و یا کاهش میزان آن‌ها برای فاعل بالغ نسبت به مفعول نابالغ در مواد ۸۳، ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.م.ا، اشاره نمود. از جمله آن‌که در زناي زن محصنه با نابالغ طبق نظر مشهور، میزان حد، از رجم به صد ضربه شلاق کاهش می‌یابد (صدوق، ۱۴۱۵هـ ص ۴۳۲؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶هـ ج ۲، ص ۵۲۱). همچنین در قذف، نابالغ بودن مقذوف باعث سقوط حد و ثبوت تعزیر می‌شود. علاوه بر این، نظام حقوقی ایران در مواردی چون قذف با توجه به برخی مصالح، کودک را حائز مسؤولیت کیفری دانسته است که مورد اخیر در تعارض با اصل عدم مسؤولیت کیفری کودکان می‌باشد. حال آن‌که مواد ۳۷ و ۴۰ این سند، علاوه بر

---

۱- Vienna Convention United Nations Convention Against Illicit Traffic in Nations Drugs and Psychotropic Substances

۲- The World Health Organization Framework Convention on Tobacco Control

تأکید بر لزوم استفاده از برنامه‌های آموزشی در قبال رفتار مجرمانه کودک، اعمال مجازات را محدود به موارد ضروری دانسته و کشورهای عضو را از اعمال مجازات اعدام و حبس ابد بدون امکان آزادی برای کودک برحذر داشته که نشان از تعارض قوانین ایران با مفاد کنوانسیون در این حوزه دارد.

همچنین علاوه بر عدم رفع مسؤلیت کیفری مطلق نسبت به کودک، در حوزه حمایت از بزه‌دیده نیز که دارای ابعاد مختلفی از جمله حمایت از وی بلافاصله پس از تحقق جرم از طریق مراقبت‌های پزشکی و روانی، حمایت از بزه‌دیده در مرحله دادرسی از طریق تفهیم حقوق قانونی وی و ایجاد تسهیلات لازم در زمینه اقامه دعوی و لحاظ جایگاه واقعی او در مرحله دادرسی و تأمین ضرر و زیان از طریق منابع دولتی، خیریه و یا بیمه می‌باشد<sup>۱</sup>، نظام حقوقی ایران دارای خلأ قانونی است.

هم اکنون پیش‌نویس لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در دست بررسی است که در صورت تصویب، قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان فعلی و برخی مواد ق.م.ا. و... را نسخ خواهد نمود. از جمله احکام پیش‌بینی شده در این لایحه می‌توان به این موارد اشاره کرد: احصاء و مجازات اعمال مجرمانه علیه کودکان، تعیین نحوه تحقیق و رسیدگی، جهات شروع به تعقیب، وظایف دادستان و دادگاه، تبیین موقعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان که مربوط به حقوق مادی و معنوی کودک است و شامل اعمال والدین یا سرپرستان قانونی کودک می‌شود که وضعیت مخاطره‌آمیزی برای کودک فراهم می‌آورند و اعمال خود کودک را در بر می‌گیرد که وی را در چنین وضعیتی قرار می‌دهد. همچنین تشکیلات لازم برای حمایت از کودکان و نوجوانان از جمله تشکیل دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان تحت نظر رئیس قوه قضائیه جهت تدوین دستورالعمل‌های مرتبط با این قانون و نیز مداخله فوری قضایی به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در معرض خطر و جلوگیری از ورود آسیب بیشتر به

---

۱- برای مطالعه بیشتر بنگرید به: توجهی، عبدالعلی، «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۴، سال اول، زمستان ۱۳۷۸

آنان، ارائه مشاوره و معاضدت حقوقی و تشکیل پرونده وضعیت فردی و اجتماعی کودک، ایجاد شرایط مناسب در خانواده برای کودکان یا معرفی آنان به بهزیستی و ...

## مبحث دوم - کودکان و بهره‌مندی از حقوق اساسی و مدنی

کودک می‌باید بدون هر گونه تبعیض از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و... از حقوق اساسی و مدنی بهره‌مند گردد. برخی از این حقوق مانند حق زندگی، نسب، تابعیت، سرپرستی و نگهداری از کودک به محض تولد طفل با وی همراه می‌گردد و برخی دیگر مانند حق بهره‌مندی از بهداشت خصوصاً در مورد کودکان معلول، حق آموزش و دسترسی به وسایل تفریحی و آزادی‌های اجتماعی با فرایند رشد و تربیت طفل ملازمت دارد. در این بخش از مقاله به تفصیل در خصوص این دو دسته حقوق بحث به عمل می‌آید:

### ۱- حقوق مدنی و اساسی ملازم با تولد کودک

اولین حقی که کودک در زمان تولد و حتی پیش‌تر در دوره جنینی، از آن بهره‌مند می‌گردد و در ماده ۶ کنوانسیون به آن تصریح گردیده، حق زندگی است که علاوه بر بند ۱ ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی<sup>۱</sup>، ضمانت اجرای این حق ذاتی در حقوق ایران در مواد ۴۸۷ به بعد و ۶۲۲ الی ۶۲۴ ق.م.ا. در قالب مجازات سقط جنین ذکر شده است. در راستای اجرای ماده ۷ کنوانسیون مبنی بر ضرورت ثبت ولادت، قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه (۱۳۷۰)، جهت حفظ هویت کودک و

---

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص حقوق مدنی و اساسی افراد در میثاقین بنگرید به:

- Sarah Joseph, Jenny Schultz and Melissa castan, The International covenant on civil and political Rights (cases, materials, and commentary), oxford university press, first published ۲۰۰۰  
-Manfred Nowak, The International covenants on civil and political Rights and on Economic, social and cultural Rights, in: The Essentials of Human Rights, fdited by. Rhona k.m. smith and christien vanden Anker, Hodder Arnold, ۲۰۰۵

ضمانت اجرای بهره‌مندی وی از ملیت، نام و روابط خانوادگی به تصویب رسیده است. یکی از موضوعات مهم جهت تعیین امکان بهره‌مندی کودک از حقوق مدنی و اساسی در نظام ایران موضوع شناسایی والدین وی می‌باشد. لازمه شناسایی این امر، تعیین وضعیت نسب وی می‌باشد.

نسب، رابطه اعتباری است که از پیدایش فرزند منتزع شده و منشأ آن تکوینی و واقعی است و احراز آن در کنوانسیون صرف نظر از مشروعیت یا عدم مشروعیت رابطه والدین، صرفاً بر مبنای رابطه زیستی ایشان می‌باشد. لکن در نظام حقوقی مبتنی بر فقه امامیه ایران، وجود رابطه زناشویی میان پدر و مادر بر پایه ازدواج مشروع در زمان انعقاد نطفه، نخستین شرط احراز نسب فرزند است. وفق مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۶۷ ق.م. کودک متولد در زمان زوجیت، ملحق به شوهر است؛ مشروط بر این‌که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کم‌تر از شش ماه و بیش‌تر از ده ماه نگذشته باشد و کودک متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.

فرزند نامشروع وفق برخی قوانین از جمله ماده ۸۸۴ ق.م. و نیز ماده ۱۵۵ آ.د.د.ع.ا.ک. از حق توارث، امکان ادای شهادت و اشتغال به برخی مشاغل مانند قضاوت که دارای شرط طهارت مولد است، محروم می‌گردد. همچنین در خصوص نسب این کودک، وی به والدین طبیعی خود منتسب نیست و تنها نسبت به طرفی که آگاه از فقدان رابطه زوجیت نبوده یا مجبور به رابطه شده، مشروع به حساب می‌آید (حلی، ۱۴۰۷-۱۴۱۳ هـ ج ۴، ص ۴۱۳-۴۱۴؛ جبعی‌عاملی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱، ص ۲۱۲). شایان ذکر است برخی فقها فرزند نامشروع را منتسب به مادر دانسته، به توارث میان آن دو قائلند (بن‌براج، ۱۴۰۶ هـ ص ۱۶۵؛ ابن‌قدامة، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۲۹). و برخی دیگر تمامی آثار نسب نامشروع جز توارث را میان او و پدر ثابت می‌دانند (غروی تبریزی، ۱۴۱۰ هـ ج ۲، ص ۷۰-۷۳؛ همو، ۱۴۱۱ هـ ج ۱، ص ۸۱-۸۹؛ همو، ۱۴۱۴ هـ ج ۹، ص ۱۱۷-۱۱۸) هر چند وفق رأی وحدت رویه سال ۱۳۷۶، پدر و مادر طبیعی کودک مکلف به دریافت شناسنامه برای وی هستند. در خصوص سایر حقوق مدنی کودک نامشروع با توجه به عدم درج محرومیت وی از این حقوق در قوانین فعلی می‌توان اصل را بر بهره‌مندی کودک مزبور از آنان دانست، مانند لزوم سرپرستی و نگهداری کودک.

وفق مواد ۷ و ۹ کنوانسیون پس از شناسایی والدین کودک، اصل بر نگهداری وی توسط والدین و عدم جدایی وی از ایشان جز در مواردی است که منافع وی ایجاب نماید. مطابق مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ ق.م. نگاهداری کودکان هم حق و هم تکلیف ابویین است و برای حضانت و نگهداری کودکی که ابویین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، اولویت تا سن هفت سالگی با مادر و بعد از آن در صورت حدوث اختلاف، حضانت کودک با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می‌باشد.

در بندهای ۴۳ و ۴۶ منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص حق و مسؤولیت حضانت فرزند و لزوم برخورداری از حمایت مالی پدر و حق ملاقات با فرزند در صورت انقضا یا اسقاط دوران حضانت و مسؤولیت مدنی و کیفری پدر و مادر در قبال کوتاهی از محافظت کودک و مسؤولیت والدین در مورد ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان پیش‌بینی شده است که باید در تنظیم سایر قوانین و مقررات کیفری و مدنی مورد توجه قرار گیرد.

تأکید بر نگهداری کودک در محیط خانواده و نزد پدر و مادر جز در زمان فوت ایشان یا تحقق یکی از شرایط مندرج در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در موارد سوءرفتار والدین، یکی از مهم‌ترین اهداف نظام حقوقی ایران بوده است. بر این اساس، در صورت عدم مواظبت و نیز انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که کودک تحت حضانت اوست و به خطر افتادن صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی کودک، دادگاه می‌تواند وفق ماده اخیرالذکر به تقاضای خویشان، قیم کودک یا دادستان تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

در اصول ۲۱ و ۳۹ و نیز ۳، ۳۰ و ۴۳ قانون اساسی به مسأله کودکان بی‌سرپرست در قالب حضانت فرزند و حمایت از کودک بی‌سرپرست، اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته با رعایت غبطه کودک، برخورداری از تأمین اجتماعی در صورت بی‌سرپرستی و... اشاره گردیده است و سازمان بهزیستی وفق ماده واحده قانونی راجع به تشکیل این سازمان (۱۳۵۹)، متولی امور کودکان بی‌سرپرست در ایران می‌باشد.

به موجب بند ۴ ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، کودک بی‌سرپرست به کودکی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دائم یا موقت سرپرست خود را از دست داده باشد. علاوه بر این، مواد ۱ و ۴ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و ماده ۱ آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی بدون اشاره به فرزندخواندگی<sup>۱</sup> به موضوع نگهداری از کودکان بی‌سرپرست پرداخته‌اند. عدم اشاره به موضوع فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران موجب تعارض این نظام و کنوانسیون کودک نمی‌گردد؛ زیرا ماده ۲۰ کنوانسیون به جای واژه فرزندخواندگی از اصطلاح سرپرستی و کفالت در خصوص مسلمانان استفاده نموده است.

در نهایت برخلاف نکات مندرج در ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک ناظر بر تضمین حق تابعیت کودکان و اجتناب از بی‌تابعیتی ایشان و تأکید اصل ۴۱ ق.ا. ایران بر حق تابعیت افراد باید گفت تاکنون نظام حقوقی ایران، مقررات جامعی را در این زمینه به تصویب نرسانده است. هر چند در ماده ۹۷۶ ق.م. انواع تابعیت ایرانی ذکر شده است، لکن کودکی که از زن ایرانی و مرد خارجی بی‌تابعیت متولد می‌شود، با توجه به قوانین موجود از جمله عدم رعایت شرایط ازدواج با اتباع بیگانه فاقد تابعیت است. با توجه به ناکارآمدی قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵ و ضرورت اصلاح قواعد موجود و نیز از آنجا که در قانون مدنی ایران، حق تابعیت با برخی حقوق و تکالیف خانوادگی اتباع ایرانی خلط گردیده و نوعی

---

۱- فرزند خواندگی رابطه حقوقی است که به دلیل پذیرفته شدن کودکی به عنوان فرزند، از جانب زن و مرد به وجود می‌آید بدون این‌که پذیرندگان کودک دارای رابطه خونی و طبیعی با وی باشند. هر چند در دین اسلام، رسیدگی به ایتمام و کودکان بی‌سرپرست مورد عنایت خاص شارع بوده لکن فرزند خواندگی منشأ آثار حقوقی نمی‌باشد (صفایی و امامی، ۱۳۸۲، ص ۲۴). در قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست (۱۳۵۲) شرایط کودکانی که به سرپرستی داده می‌شوند، شرایط متقاضیان از جمله مسلمان بودن، حسن شهرت، نداشتن فرزند، داشتن آگاهی نسبی، دارا بودن حداقل ۲۵ و حداکثر ۵۰ سال سن، سپری شدن حداقل ۵ سال از زندگی مشترک، داشتن شغل مناسب، سپردن تعهد محضری و متعاقب آن تخصیص بخشی از دارایی به کودک و نیز شرایط قطع سرپرستی کودک پیش‌بینی گردیده است. البته اقلیت‌های دینی رسمی در ایران وفق ماده ۱۳ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بند ۳ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم (۱۳۱۲) تابع قواعد ناظر بر فرزندخواندگی بوده و در خصوص اتباع بیگانه ساکن ایران می‌باید با توجه به قواعد ناظر بر حل تعارض قوانین عمل نمود.

تبعیض توجیه‌ناپذیر میان زن و مرد ایرانی در حوزه تأثیر تابعیت ایشان در تعیین تابعیت فرزندشان به وجود آمده است، اصلاح موادی از ق.م. خصوصاً بند ۴ ماده ۹۷۶ این قانون، گامی مؤثر در جهت رفع مشکل می‌باشد.<sup>۱</sup>

## ۲- حقوق مدنی و اساسی مرتبط با رشد و تکامل کودک

توانمندسازی کودکان جهت بر عهده گرفتن نقش‌های مختلف در زندگی اجتماعی، مستلزم محافظت از ایشان در برابر مخاطرات بهداشتی است. مواد ۲۳ تا ۲۷ و نیز ۳۹ کنوانسیون بر لزوم برقراری حداقل امکانات بهداشتی برای اطفال، برقراری بیمه و سایر تضمین‌های حقوقی تأمین اجتماعی و اقدامات ضروری جهت تسریع بهبود جسمی و روانی کودکان و نیز حمایت همه جانبه از معلولان جهت بهره‌مندی از مراقبت‌های ویژه و دسترسی مؤثر به خدمات مراقبتی، بهداشتی و توانبخشی، آمادگی برای اشتغال و پیشرفت فرهنگی و نیز مبادله بین‌المللی اطلاعات لازم در این حوزه تأکید نموده است.

در نظام حقوقی ایران علاوه بر اصول ۳، ۲۹ و ۴۳ قانون اساسی و ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی که به موضوع برخورداری از تأمین اجتماعی به عنوان حقی همگانی پرداخته‌اند، قانون ساماندهی بهداشت و درمان (۱۳۸۱)، قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (۱۳۶۷)، قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۶۷)، قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار (۱۳۲۰) و قانون تأمین اجتماعی (۱۳۵۴) متضمن احکامی در خصوص برخورداری کودکان از حق بهداشت، درمان بیماری‌ها و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی در قالب بیمه و... می‌باشد.

همچنین در خصوص حمایت‌ها و مراقبت‌های لازم برای رفاه کودکان معلول و امور مربوط به ایمنی و بهداشت ایشان می‌توان به برخی از قوانین مراجعه کرد، مانند قانون

---

۱ - برای آگاهی از تفصیل مطلب بنگرید به عباسی، عاطفه و فاطمه بداعی، «تابعیت کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی»، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق) دانشگاه امام صادق (ع)، پاییز و زمستان ۸۸، شماره ۵۱.

ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۱۳۷۸)، قانون جامع حمایت از معلولان (۱۳۸۷) و قانون معافیت مالیاتی کلیه مؤسسات خصوصی شاغل در امور مربوط به حمایت و توانبخشی معلولان و ارائه خدمات به عقب‌ماندگان ذهنی و همچنین انجام خدمات در شبانه‌روزی‌ها و مهدهای کودک (۱۳۷۴). این قوانین بر توانمندسازی معلولان از جمله کودکان معلول، افزایش امید ایشان به زندگی و فراهم نمودن امکان دستیابی ایشان به امکانات برابر با افراد سالم تأکید نموده‌اند.

بدیهی است معلولان به دلیل وضعیت جسمی و روحی خاص خود احتیاج به مراقبت ویژه‌ای دارند و کودکان معلول در این بین به دلیل سن کمتر نیاز به حمایت بیشتری جهت رفع حواجی شخصی خود دارند. این مراقبت‌ها نباید به نحوی صورت گیرد که منجر به انزوای ایشان گردد، بلکه باید از مجرای خانواده و به طور عادی صورت پذیرد تا منجر به جدایی کودک معلول از جریان عادی زندگی نگردد.

در کنار لزوم بهره‌مندی کودکان از امکانات بهداشتی، لازمه رشد و تعالی کودک فراهم نمودن امکانات کافی جهت آموزش رسمی و نیز انتقال سایر اطلاعات ضروری با استفاده از رسانه‌های گروهی است. در مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون بر لزوم استفاده برابر از آموزش و پرورش توسط کودکان تأکید گردیده و دوره ابتدایی اجباری و رایگان اعلام شده است. در دوره عالی نیز باید برای تمامی افراد، امکانات برابر و مناسب با توجه به توانمندی‌های ایشان فراهم شود. در نظام حقوقی ایران نیز علاوه بر تصریح اصل سی ام قانون اساسی بر حق تحصیل می‌توان به این قوانین اشاره نمود: قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل کودکان و جوانان ایرانی (۱۳۵۴) مبنی بر اجباری بودن آموزش و پرورش در ایران برای کلیه افراد، قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۳۶۹)، اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۳۷۰)، قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی (۱۳۶۷) و اصلاحیه آن، سیاست‌های سواد آموزی (۱۳۸۵)، طرح اجرایی سوادآموزی (۱۳۶۶)، اساسنامه طرح شاهد (۱۳۶۹) به همراه اصلاحات مربوط، اساسنامه سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸) و ماده واحده ایجاد



شرایط تسهیل زمینه‌های ادامه تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان افغانی و عراقی مقیم ایران (۱۳۸۸).

در خصوص اجرای ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک و حق دسترسی وی به وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی و کتاب و ... می‌توان به مبانی یاد شده در قانون اساسی درباره وسایل ارتباط جمعی و نیز راهبردها و راهکارهای ارتقای فعالیت‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴) اشاره کرد. اساسنامه بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای (۱۳۸۵)، آیین‌نامه شورای نظارت بر ساخت، طراحی، واردات و توزیع اسباب‌بازی کودکان (۱۳۷۷)، سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران (۱۳۸۱) و نیز قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای از جمله حمایت‌های قانونی هستند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با کودک مرتبط هستند. بدیهی است تنظیم قواعد الزام‌آور حقوقی ناظر بر راهنمایی رسانه‌ها در تولید محصولات حوزه کودکان و نیز پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب در قبال متخلفان ضروری است. این مهم در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و قانون تشدید مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری دخالت غیرمجاز می‌نمایند (۱۳۷۹)، پیش‌بینی گردیده است.

همچنین جهت آماده‌سازی کودک برای تصدی موقعیت اجتماعی مناسب، رشد فکری و ترغیب وی به همکاری‌های اجتماعی در قالب برگزاری اجتماعات و نیز آزادی بیان و ... اجتناب‌ناپذیر است. مواد ۱۲ تا ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک به شناسایی آزادی‌های فردی مانند آزادی عقیده، آزادی ابراز عقیده شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع و آزادی مذهب پرداخته است.

تأمین آزادی‌های مذکور در حدود قانون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران مندرج در اصل سوم می‌باشد. حق آزادی بیان، عقیده، دسترسی به اطلاعات و اشاعه آن در اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ... پیش‌بینی شده است. حق افراد در حفظ حریم خصوصی در اصل ۲۵، حق تشکیل احزاب و حق آزادی مذهب در اصل ۲۶، حق آزادی عقاید در اصل ۲۳، حق آزادی مذهب در ضمن تعیین دین اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری به عنوان دین رسمی ایران و آزادی مذاهب ایرانیان زرتشتی،

کلیمی و مسیحی در اصل ۱۲ و نیز حق مصونیت افراد از تعرض به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص در اصل ۲۲ از دیگر حقوق و آزادی‌هایی است که در قانون اساسی پیش‌بینی و ضمانت اجرای آن در ماده ۵۷۰ ق.م.ا. درج شده که نشان از انطباق مقررات فعلی با مفاد کنوانسیون دارد.

همچنین علی‌رغم تأکید قانون اساسی بر این‌که زبان فارسی، زبان رسمی کشور شناخته می‌شود، حق استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در اصل ۱۵ منظور گردیده است.

نهایت آن‌که در صورت لزوم اشتغال به کار کودک، رعایت ماده ۳۲ کنوانسیون ضرورت دارد. در نظام حقوقی ایران اصل ۲۸ قانون اساسی وادار نمودن کودکان را به کاری که خلاف سلامت جسمی یا روانی ایشان باشد، ممنوع ساخته است و تعیین شرط سنی برای اشتغال به کار در مواد متعدد قانون کار مورد اشاره واقع شده است. در کنوانسیون نیز «ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک»<sup>۱</sup> و توصیه‌نامه مکمل آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. وفق مواد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۴ ق.م.ا، تأمین اقتصادی کودکان مشتمل بر مسکن، البسه، غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق، بر عهده پدر می‌باشد و پس از فوت وی یا عدم قدرت او به انفاق با رعایت قاعده الاقرب‌فالاقرب به عهده اجداد پدری است. در صورت نبود پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آن‌ها بر پرداخت، نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر زنده یا قادر به انفاق نباشد با رعایت قاعده الاقرب‌فالاقرب تأمین مالی کودک به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری مستطیع است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقریبیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه متساوی تأدیه کنند. بر اساس ماده ۱۱۰۷ ق.م.ا نیز هزینه‌های لازم جهت تعلیم و تربیت کودک، مخارج درمان و هزینه‌های مربوط به امکانات اولیه ازدواج و... را باید از مصادیق نفقه دانست. با نگاهی به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد مجموعه حقوق اساسی و مدنی کودک در

---

۱- International Labor Organization Worst Forms of Child Labor Convention

برخی حوزه‌ها مانند بهداشت، رسانه‌های گروهی، آزادی‌های اجتماعی، آموزش و ... مورد تقنین قرار گرفته است؛ لکن برخی حوزه‌ها مانند حمایت کودکان بی‌سرپرست و برقراری نظام تأمین اجتماعی هنوز با کاستی‌هایی مواجه می‌باشد. همچنین علی‌رغم تأکید اصول ۳، ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی بر رفع تبعیض ناروا میان آحاد ملت و بهره‌مندی ایشان از کلیه امکانات موجود، فرزندان زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی از برخی حقوق ایرانیان محروم هستند. نیز مطابق قانون تنظیم خانواده و جمعیت (۱۳۷۲) کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله وضع شده، در مورد فرزندان چهارم و بعد از آن‌که پس از یک سال از تصویب قانون مزبور متولد می‌شوند محاسبه و اعمال نمی‌گردد. در این قوانین می‌توان به مواردی از تبعیض برخورد. حال آن‌که باید در مورد گروه اول ترتیبی اتخاذ شود که کودکان ایشان از حداقل حقوق مندرج در کنوانسیون بهره ببرند و در مورد دوم نیز محروم نمودن کودک از برخی حقوق، راهکار مناسبی جهت کنترل جمعیت نمی‌باشد.

### یافته‌های پژوهش

تأمل در نظام حقوقی ایران مبین آن است که برخی از مصادیق حقوق کودک از جمله حق مصونیت از آزارهای روانی و بدنی، حق دفاع در فرایند عدالت کیفری، حق بر هویت، استقلال و آزادی اظهار نظر، برخورداری از فرصت مناسب برای رشد، آموزش و پرورش و منابع ضروری آن و فرصت کامل برای بازی و تفریح در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره واقع شده‌اند.

لکن در حوزه حقوق کیفری، عدم رفع کامل مسؤولیت کیفری در برابر کودکان ممیز و وجود مسؤولیت کیفری تام در خصوص نوجوانان، با واقعیات زیستی و اجتماعی موجود همخوانی ندارد. خصوصاً آن‌که در برخی موارد مانند قذف برخلاف مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون به جای استفاده از برنامه‌های آموزشی در قبال رفتار مجرمانه کودک، از اعمال مجازات شلاق و ... استفاده می‌شود. علاوه بر این برابری کامل مسؤولیت کیفری بالغان زیر ۱۸ سال و بزرگسالان قابل تأمل بوده، مناسب است در قبال اعمال این افراد

از سطح پایین‌تری از مسئولیت‌گیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان واکنش اجتماعی استفاده نمود. در کنار نواقص ماهوی فوق، قوانین فعلی دادرسی نیز به جهت وجود احکامی مانند عدم احضار کودک در معرض خطر در مرحله دادرسی یا دادرسی، عدم حمایت از کودک بزه‌دیده یا شاهد در مقابل آسیب‌های وارد بر او، اختیاری بودن تشکیل پرونده شخصیت و نیز جلب مشورت مددکار و روان‌شناس و فقدان پلیس ویژه کودکان و نوجوانان با کمبودهایی روبروست که اجرای دادرسی عادلانه علیه کودک را با خطر مواجه می‌سازد.

در حوزه حقوق اساسی و مدنی نیز عدم شناسایی کامل حقوق فرزندان نامشروع، خلأ قانونی در جلوگیری از بی‌تابیتی کودکان، عدم حمایت کامل از کودکان بی‌سرپرست خصوصاً در حوزه تأمین اجتماعی، محدودیت در برخورداری از امکانات اجتماعی و اقتصادی در مورد فرزندان چهارم به بعد و... منتهی به تبعیض ناروا و محرومیت برخی کودکان در بهره‌مندی از حقوق شناخته شده در این کنوانسیون می‌گردد.

وجود نواقص فوق منجر به عدم اعمال مفاد کنوانسیون درباره برخی حقوق کودکان می‌شود که با روح کلی حاکم بر کنوانسیون یعنی حمایت همه‌جانبه از حقوق کودک در تعارض است. به هر رو، تحقق حقوق کودک در هر جامعه مستلزم شناسایی مشکلات و تنگناهای موجود و ارائه راهکارهای علمی با توجه به برخی مصالح و البته تعهدات بین‌المللی هر کشور است.

## منابع و مأخذ

- ✓ ابن براج، عبد العزيز، *المهذب*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶هـ چاپ اول
- ✓ ابن قدامه، عبد الله، *المغنی*، بیروت، دارالکتاب العربیہ، ۱۴۰۳هـ چاپ اول
- ✓ حلی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲-۱۴۲۰هـ
- ✓ حلی، محمد بن فهد، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم، چاپ مجتبی عراقی، ۱۴۰۷-۱۴۱۳هـ چاپ اول
- ✓ خزامی، عبد الحکم احمد، *المرجع الشامل فی حقوق الطفل*، قاهره، بی نا، ۲۰۰۴م
- ✓ خوانساری، احمد، *جامع المدارک فی شرح المختصر المنافع*، بی جا، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۷هـ، چاپ دوم
- ✓ خویی، ابوالقاسم، *مبانی تکلّمه المنهاج*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲هـ
- ✓ سمرقندی، حمد بن احمد، *تحفه الفقهاء*، بیروت، مکتبه الاسلامی، ۱۴۰۵هـ
- ✓ صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴، چاپ ششم
- ✓ صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه)، *المقنع من الجوامع الفقهیه*، قم، نشر موسسه امام هادی، ۱۴۱۵هـ
- ✓ صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، «فرزندخواندگی در خانواده رومی ژرمنی»، ماهنامه کانون، شماره ۴۳، ۱۳۸۲
- ✓ عاملی، زین الدین، *الروضه فی شرح اللمعه دمشقیه*، بیروت، چاپ محمد کلانتر، ۱۴۰۳هـ
- ✓ عباسی، عاطفه و بداغی، فاطمه، «تابعیت کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی»، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق) دانشگاه امام صادق، پاییز و زمستان ۸۸، شماره ۵۱

- ✓ عبدالعلی، توجهی، «سیاست جنایی حمایت از بزهدیدگان»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۴، ۱۳۷۸
- ✓ غروی تبریزی، علی، *التنقیح فی شرح عروه الوثقی*، تقریرات درس آیت الله خویی، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، از ۱۴۱۰ تا ۱۴۱۴ هـ
- ✓ گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶، چاپ چهارم
- ✓ مهرپور، حسین، *نظام بین المللی حقوق بشر*، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳

✓ H. victor, *A Handbook of international Human Rights Terminology*, Second Edition , united States , ۲۰۰۳

✓ International Labor Organization Worst Forms of Child Labour Convention ۱۹۹۹

✓ Manfred, Nowak, *The International covenants on civil and political Rights and on Economic, social and cultural Rights*, in: The Essentials of Human Rights, edited by. Rhona k.m. smith and christien vanden Anker, Hodder Arnold, ۲۰۰۵

✓ Redmond, P.W.D, *General Principles of English law*, yalda publication. ۱۳۶۹

✓ Sarah Joseph, Jenny Schultz and Melissa castan ,*The International covenant on civil and political Rights* (cases, materials, and commentary), oxford university press, first published, ۲۰۰۰

✓ The World Health Organization Framework Convention on Tobacco Control

✓ Vienna Convention United Nations Convention Against Illicit Traffic in Nations Drugs and Psychotropic Substances

✓ [www.ohchr.org/english/bodies/crc/docs/co/CRC.C.۱۵.Add.۲۵۴.pdf](http://www.ohchr.org/english/bodies/crc/docs/co/CRC.C.۱۵.Add.۲۵۴.pdf)

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.